

شهید ابراهیم عالی زاده



غلامعلی	نام پدر
۱۳۴۴/۰۵/۰۷	تاریخ تولد
بوشهر – تنگستان	محل تولد
۱۳۶۳/۱۲/۲۶	تاریخ شهادت
شرق دجله	محل شهادت
رزمنده	مسئولیت
پاسدار و وظیفه	نوع عضویت
—	شغل
پنجم ابتدایی	تحصیلات
بنه گز	مدفن

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید ابراهیم عالیزاده در سال ۱۳۴۴ در روستای بنه گز دیده به جهان گشود. هوش و استعدادی که در او وجود داشت او را به مدرسه کشاند اما ابراهیم در چرخه زندگی اش فراز و نشیب و رنجهای زیادی را تحمل کرد در کلاس سوم ابتدائی بود که پدرش از دنیا رفت و چنگال ویرانگر فقر و نداری او را با وجود برخورداری از هوش و استعداد مجبور نمود قید مدرسه را زده و به دنبال کار کارگری و امرار معاش خانواده برود.

در عین حال با اینکه کارگری را پیشه خود ساخته بود ولی گاهی استعدادهای او در کارهای فنی نظر دیگران را به خود جلب می کرد. ابراهیم در طول زندگی اش تلاش داشت دلسردی و دلمردگی و نبود پدر برایش فضای یاس و ناامیدی ایجاد نکند.

وجود جنگ و دفاع از کشورش در قلب او ریشه درانده بود و رنج عهده داری مخارج خانواده و سرپرستی آنان او را از رفتن به جبهه جنگ باز نمی داشت تا اینکه زمان سربازی او فرا رسید خود را به سپاه معرفی کرد و در اولین اعزام جهت آموزش نظامی بمدت ۳ ماه در باختران آموزش دید. سپس رهسپار مرکز استان خوزستان در اهواز شد و بعد از مدتی به منطقه عملیاتی در دارخوین و جزیره مجنون رفته و سمت آر پی جی زن گروهان خودشان می پذیرد. ۶ ماه که سلحشورانه پاسداری از مرزهای جمهوری اسلامی ایران را عهده دار می شود در عملیات پر افتخار بدر [۱] مورد هدف گلوله های خصم قرار می گیرد و در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۶ در آن منطقه عملیاتی به فیض عظمای شهادت نایل می گردد ولی بخاطر مشکلات موجود در منطقه خروج جسد مطهرش از آن منطقه امکان پذیر نمی شود و بعد از نزدیک به ۱۲ سال دوری جسم پاکش از وطن، این سرباز جانباخته میهن در اول اسفندماه سال ۱۳۷۵، مانند سایر کبوتران دور از آشیانه، عاشقانه در فضای آکنده از خون و اندوه در حالیکه مادر پیرش پس از سالها انتظار و چشم به راه بودن از دنیا رفته بود، به سوی خاک میهن اسلامی پرواز می کند تا در کنار و جوار سایر دوستان شهیدش آرام بگیرد. روح تلاشگر و چهره معصومانه و متبسم ابراهیم همچنان زینت بخش روستا خواهد بود و نسلهای حاضر و آینده را برای برخورداری از خصلتهای انسانی و اسلامی خود فرا خواهد خواند.

سجایای اخلاقی شهید ابراهیم عالیزاده

۱- خیرش فراوان بود بصورتی که گوئی شر و بدی از وی گریزان بود

۲- هیچ کسی را به نام بد و لقب زشت صدا نمی زد

۳- صله رحم را مبنای اخلاقیات خود قرار داده بود

۴- اعتقادی همراه با ایمان به رهبری حضرت امام خمینی (ره) نشان می داد

۵- گفتارش همراه با ملاطفت بود

۶- روحیه تلاشگری جهت تامین هزینه های خانواده داشت

۷- به مسائل امر به معروف و نهی از منکر اهمیت بسیار می داد و بخصوص سفارش فراوانی به مسئله حجاب داشت

۸- در تنگدستی و کم بضاعتی مالی همیشه شکیبا و سپاسگزار بود

۹- مردن با افتخار و شهادت در راه خداوند را فیضی بزرگ می دانست

۱۰- فردی تا حدودی ساکت بود زیرا می دانست که کلام هر چه سنجیده تر باشد متکلم راحت تر است

۱۱- علاقه به کارهای فنی و عملی

۱۲- تواضع و فروتنی

۱۳- از خواسته های نفسانی دنیوی پیروی نمی کرد

۱۴- در رهروی راه خدا با نشاط و فعال بود

۱۵- به حلال بودن مال اهمیت می داد

۱۶- نفس قانع داشت

۱- عملیات بدر با رمز یا فاطمه زهرا (س) در ساعت ۲۳ شب ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع در منطقه عملیاتی شرق دجله جهت انهدام دشمن و تامین تمامی هورالهیوز و کنترل جاره العماره و بصره انجام گرفت .

نیروهای عمل کننده در این عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از یکسو و ارتش جمهوری اسلامی از سوی دیگر بوده اند . (برگرفته از کتاب کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس از انتشارات سپاه پاسداران سال ۱۳۶۸ ، ص ۵۲)

پیام شهید شهید ابراهیم عالیزاده

شهید هنگامی که در کنار ضبط کوچک خود وصیت نامه شفاهی خود را بیان می کرد هرگز از اسارت صحبت بر زبان نیاورد . تقدس و زیبایی شهادت را به رنج اسارت ترجیح می داد . در اصل انتخاب آگاهانه خود را انجام داده بود و آن هم شهادت بود که در روح انسانی او نفوذ پیدا کرده بود . ابراهیم پیامش این بود که کسی نیست که اسیر شود و اگر هم اسیر شد در همان دوران اسارت به شهادت می رسید ، زیرا که در هر حالت و در هر شرایطی به مبارزه علیه دشمن دین و کشور اعتقاد داشت و بطور قطع در برابر زورگویی های دشمن می ایستاد . پیام دیگر عالیزاده که در رأس امور او به عنوان پیام او بود و بعنوان وصیت او اهمیت زیادی داشت و دین اسلام نیز به او ارج گذاشته بود ارزش انسانی زن بود . او همیشه در هر لحظه به خواهرانش و دختران خواهرش شایستگی زن بودند به عنوان یک انسان والا کوشش می کرد و الگوهای بزرگی را برای آنان چون بانوان بزرگ شیعی و شیعه حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) را برای آنان بیان می کرد . او زن را یک ابزار نمی دانست و برای

او اصالت و نجابت و پاکدامنی و کرامتی خاص قائل بود .

و این پیام امام خمینی (ره) را در پیام خود گنجانیده بود که از دامن زن ، مرد به معراج می رود . خواهرش می گوید : همیشه ما را به امر معروف و برپایی نماز دعوت می کرد . مثل پدرمان عمل می کرد تا نماز را نخوانده بود دست به کار دیگری نمی زد .

خانواده شهید ابراهیم عالیزاده

غلام عالیزاده و زلیخا منصوری پدر و مادر شهید بزرگوار ابراهیم عالیزاده بوده که در روستای بنه گز متولد گردیده اند پدر شهید در سن ۶۵ سالگی و مادرش در سن ۶۰ سالگی دار فانی را وداع کردند . شغل پدر از همان دوران نوجوانی و جوانی ماهیگیری و کشت و زرع بوده و در راه کسب در آمد حلال زحمات فراوانی را در دوران زندگی خویش کشیده است او در حالی وارد عرصه زندگی خویش شد که در دوران نوجوانی پدرش را در جنگ استقلال طلبانه مردم شجاع تنگستان به رهبریت رئیس علی دلواری بر علیه استعمارگران از دست داد به عبارت دیگر باید گفت فرزند شهید شد . این روحیات مبارزه طلبی در سایر اعضای خانواده نیز ریشه دوانید که در بعد از آن خانواده با تقدیم ابراهیم خود بار دیگر دین خود را به اسلام و ایران عزیز نشان دادند .

مادر شهید نیز از اسوه های صبر و استقامت بود زیرا که سالیان سال با رادیوی کوچک خویش همنا بود که شاید سخنی یا نشانی از پیراهن یوسف خویش بیابد ولی دنیای فانی او را مهلت نداد و قبل از بازگشت پرستوی مهاجر از غربت مادرش دار فانی را وداع گرفت و ابراهیم آذین به پرچم ایران زمین هنگامی به سرزمین بازگشت که دیگر نه پدری و نه مادری غمدیده چشم به راه او نبودند . برادران شهید در حال حاضر ۲ نفر و خواهرانش نیز ۳ نفر می باشند . خداوند این خانواده را در روز محشر با ابراهیم شهیدشان همنا گرداند .

مصاحبه

مصاحبه با خانواده شهید ابراهیم عالیزاده

خواهرش از شهید، این شکارچی تانکهای خصم در هشت سال دفاع مقدس اینگونه سخن می گوید: برادرم از زمان کودکی علاقه وافری به مسائل و مراسم مذهبی نشان می داد و از خادمین مخلص و با ایمان ابا عبدالله الحسین (ع) بود. تواضع و حسن خلق او در بین دوستانش او را بعنوان فردی محبوب و محبوب جلوه گر ساخته بود و روحیات او بر اساس دوستی و مودت نسبت به دیگران بنا شده بود.

با وجود اینکه تا اندازه ای فرد ساکتی بود ولی دوست داشت مراودت و دوستی را با افرادی برقرار نماید که از نظر فکری و روحی با او تناسب بیشتری داشتند.

خواهرش می افزاید در بسیاری اوقات شاهد بودم او قبل از اعزام به جبهه صدایش را ضبط می کرد و وقتی از او علت این امر را می پرسیدم می گفت دوست دارم وصیت نامه خودم را بروی نوار بیاورم و مرتب می گفت از خداوند همیشه طلب شهادت در راه او را دارم و هرگز دوست ندارم در میدان جنگ، در بند و اسارت دشمن قرار گیرم. و این امر را نمی بینم. خواهرش در ادامه سخنانش می گوید: هنگامی که مادرم در قید حیات بود به من می گفت: دخترم! ابراهیم همیشه در خواب مرا همراهی می کند و با من سخن می گوید و نمی گذارد در شب تنها باشم. ابراهیم تاکید فراوانی به حجاب من و دختران خواهرم داشت و بی حجابی را مریضی می دانست.



سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر